

Unstable Regional Order and Obstruction of Palestinian Peace Plan¹

Maryam Falahi

Master of International Relations, Razi University, Kermanshah,

Ghodrat Ahmadian 

Associate Professor, Department of Political Science and International Relations, Faculty of Social Sciences, Razi University. gahmadian@razi.ac.ir

Farzad Rostami 

Associate Professor, Department of Political Science and International Relations, Faculty of Social Sciences, Razi University. f.rostami1361@gmail.com

Abstract

Objective: In the Palestine issue, as the most intractable conflict in the world, there is always a peace process going on, but what has finally been achieved is a period of war and unstable peace. The purpose of the current research is to investigate the relationship of obstruction in unstable or revolutionary regional peace and order plans.

Method: The present research, using the "descriptive-analytical" method and based on the "stable and revolutionary order of Henry Kissinger" approach, seeks to answer the question of why the peace plans that have been proposed so far in the Palestinian issue have not been able to be disputed. Israel and Palestine end? In response to the following hypothesis, the peace plans surrounding the solution of the Palestinian issue lacked the institutional-structural arrangements agreed by the main actors involved in this conflict, and this issue has caused the blockage and failure of all these plans.

Findings: The research findings show that none of the peace plans could create a stable regional order in the Palestinian issue. The framework of these plans is such that it does not include the interests of all the actors, and there were actors who adopted a revolutionary order.

Results: In the Palestinian issue, the framework of the peace plans did not have the legitimacy that should be accepted by all the actors involved in the crisis. Among the regional actors, including the Islamic Republic of Iran, Syria, Jordan, Iraq, Palestinian groups, the Zionist regime, and extra-regional actors such as Russia, the United States, and the European Union, there was no consensus on the framework of peace plans, and they were still actors. Who adopted a revolutionary policy and did not accept the proposed order.


Keywords: Unstable order, Peace plans, Palestine issue, Cast actors, Henry Kissinger

Article Type: Research

* Received on 28 August, 2024 Accepted on 1 October, 2024

Cite this article: Falahi, Ahmadian & Rostami (2025) Unstable Regional Order and Obstruction of Palestinian Peace Plan, winter 2025, Vol.13, NO.4,45-70.

DOI: 10.30479/psiw.2025.20849.3360

© The Author(s). 

Publisher: Imam Khomeini International University.

Corresponding Author: Ghodrat Ahmadian (gahmadian@razi.ac.ir)

1. The article is extracted from the master's thesis


نظم منطقه‌ای ناپایدار و انسداد در طرح‌های صلح فلسطین^۱

مریم فلاحی

کارشناسی ارشد علوم سیاسی و روابط بین الملل، دانشگاه رازی کرمانشاه، ایران. m.falahi74402@gmail.com

قدرت احمدیان 

دانشیار گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی، gahmadian@razi.ac.ir

فرزاد رستمی 

دانشیار گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی، f.rostami1361@gmail.com

چکیده

هدف: در مسئله فلسطین به عنوان رام نشدنی‌ترین منازعه جهان همواره یک فرایند صلح در جریان است؛ اما چیزی که در نهایت حاصل شده یک دوره جنگ و صلح ناپایدار است. هدف این پژوهش بررسی رابطه انسداد در طرح‌های صلح و نظم منطقه‌ای ناپایدار یا انقلابی است

روش: این پژوهش با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی و بر پایه رویکرد نظم باثبات و انقلابی هنری کیسینجر^۲ دنبال پاسخگویی به این سؤال است که چرا طرح‌های صلحی که تاکنون در مسئله فلسطین مطرح شده نتوانسته است به مناقشه اسرائیل و فلسطین خاتمه دهد؟ در پاسخ، این فرضیه مطرح می‌شود که طرح‌های صلح برای حل مسئله فلسطین فاقد ترتیبات نهادی-ساختاری مورد توافق بازیگران اصلی درگیر در این مناقشه بوده، و این مسئله موجب انسداد و ناکامی تمامی این طرح‌ها شده است.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که هیچ کدام از طرح‌های صلح نتوانستند نظم منطقه‌ای پایداری در مسئله فلسطین ایجاد کنند. چهارچوب این طرح‌ها به گونه‌ای است که منافع تمام بازیگران را دربر نمی‌گیرد و بازیگرانی بوده‌اند که یک نظم انقلابی را در پیش گرفته‌اند

نتایج: در مسئله فلسطین چهارچوب طرح‌های صلح از مشروعیتی که باید مورد پذیرش تمامی بازیگران درگیر در بحران باشد برخوردار نبوده‌است. در بین بازیگران منطقه‌ای از جمله جمهوری اسلامی ایران، سوریه، اردن، عراق، گروه‌های فلسطینی، رژیم صهیونیستی و بازیگران فرامنطقه‌ای مانند روسیه، آمریکا و اتحادیه اروپا بر سر چهارچوب طرح‌های صلح اجماعی صورت نگرفته و همچنان بازیگرانی بوده‌اند که سیاستی انقلابی در پیش گرفتند و نظم مطرح شده را نپذیرفته‌اند.

واژگان کلیدی: نظم منطقه‌ای ناپایدار، طرح‌های صلح، مسئله فلسطین، بازیگران درگیر، هنری کیسینجر.

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۶/۷ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۳/۷/۱۰

استناد: فلاحی، احمدیان و رستمی (۱۴۰۳)، نظم منطقه‌ای ناپایدار و انسداد در طرح‌های صلح فلسطین، زمستان ۱۴۰۳، دوره ۱۳، شماره ۴، پیاپی ۵۲: ۴۵-۷۰.



ناشر: دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره) حق مؤلف ©
۱. مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد است.

مقدمه

فلسطین به دلیل موقعیت ژئوپلیتیک به مکانی برای منازعه و رقابت تبدیل شده است. هر گاه بحرانی منطقه‌ای رخ می‌دهد طبیعی است که هر یک از بازیگران منطقه به دنبال منافع خود باشند. در این منطقه بازیگرانی مانند جمهوری اسلامی ایران، سوریه، ترکیه، مصر، گروه‌های فلسطینی و احزاب داخلی اسرائیل (حزب لیکود و کار) همگی براساس ایدئولوژی و منافع ملی خود وارد عرصه رقابتی فلسطین می‌شوند. هر چند نمی‌توان نقش قدرت‌های فرامنطقه‌ای مانند آمریکا و روسیه و اتحادیه اروپا را نادیده گرفت. بدون رفع علل و ریشه‌های منازعه فلسطین نمی‌توان صلح پایدار و باثبات را در منطقه ایجاد نمود، این مناقشه نشأت گرفته از عوامل تاریخی، سرزمینی، ایدئولوژیکی، مذهبی و هویتی است. تاکنون طرح‌های متعددی مطرح شده است، اما هیچ یک از تلاش‌های درازمدت برای صلح و آشتی نتوانسته‌اند راهی برای برون‌رفت از این منازعه رام‌نشدنی به همراه داشته باشند و نظم منطقه‌ای پایداری ایجاد کنند.

اولین پیمان صلح، توافقنامه کمپ دیوید است که در سال ۱۹۷۸ بین مصر و اسرائیل بسته شد؛ اما این توافقنامه نتوانست صلح باثبات را ایجاد کند. روند صلح که با کنفرانس مادرید آغاز شد و در سال ۱۹۹۳ با پیمان اسلو به اوج خود رسید در ایجاد یک صلح منطقه‌ای پایدار ناکام ماند. توافقنامه‌های بعدی پیمان‌های اسلو، معامله قرن و در نهایت پیمان ابراهیم نیز نتوانستند نظم باثباتی در مسئله فلسطین ایجاد کنند؛ برای مثال معامله قرن که توسط دونالد ترامپ مطرح و باعث واکنش‌های بسیاری در سطح جهان شد، بدون مشورت قبلی با جامعه جهانی تدوین شد. مغایرت این معامله با قطعنامه‌های شورای امنیت و منافع بسیاری از بازیگران درگیر مانع جدی برای تحقق آن است. پیمان ابراهیم نیز مورد مخالفت گروه‌های فلسطینی مانند حماس، جهاد اسلامی و دیگر کشورهای منطقه‌ای قرار گرفت و نتوانست است صلح پایداری در مسئله فلسطین به وجود آورد مسئله فلسطین ابعادی بین‌المللی به خود گرفته است. کشورها و گروه‌های مختلفی در این منازعه درگیر هستند؛ بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، گروه‌های داخلی فلسطین و احزاب داخلی اسرائیل که به عنوان بازیگران درگیر و کلیدی در منازعه فلسطین رویکرد خاصی را دنبال می‌کنند و همین باعث پیچیده شدن روند مذاکره شده است. لذا این سؤال مطرح می‌شود که چرا طرح‌های صلحی که تاکنون در مسئله فلسطین مطرح شده‌اند نتوانسته است به مناقشه اسرائیل و فلسطین خاتمه دهد؟ برای پاسخ به این سؤال محورهایی از جمله چهارچوب نظری هنری کیسینجر، طرح‌های صلح فلسطین، طرح‌های صلح؛ نظم انقلابی منطقه‌ای و در نهایت نتیجه‌گیری مورد بررسی قرار گرفته است.

۱. پیشینه پژوهش

در زمینه مناقشه فلسطین و اسرائیل پژوهش‌های بسیاری انجام شده است که تلاش دارند به عوامل شکل دهنده به مناقشه، روند مذاکرات و موانع رسیدن به صلح بپردازند که به طور مختصر اشاراتی به برخی از وجوه این مطالعات می‌شود:

۱- محمدامین حضرتی رازلیقی و همکاران (۱۴۰۲) در مقاله‌ای با عنوان «چالش‌های ژئوپلیتیکی مذاکرات صلح خاورمیانه با تمرکز بر معامله قرن» اذعان دارند که مهمترین چالش‌های ژئوپلیتیکی مذاکرات صلح خاورمیانه و معامله قرن، چالش‌های فقدان دولت مستقل فلسطینی و فقدان عمق استراتژیک آن، عدم پیوستگی سرزمینی، عدم ارائه راه حل پایدار برای آوارگان داخلی و خارجی فلسطینی، چالش‌های هیدرولوژیک با همسایگان و بی‌توجهی به انگاره نمادین دینی، هویتی و تمایلات ناسیونالیستی است.

۲- باقری دولت آبادی، فخرایی (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل دلایل تداوم بحران در سرزمین‌های اشغالی بر اساس نظریه ساخت‌یابی» با توجه به تحلیل چرایی و لاینحل ماندن منازعه اسرائیل-فلسطین، با استفاده از نظریه ساخت‌یابی آنتونی گیدنز نشان دادند که باید ساختار منطقه و جهان را برای حل مسئله فلسطین آماده کنند و بدون همراهی قدرت‌های بزرگ و کشورهای منطقه هیچ راه حلی به جایی نخواهد برد و در بخش کارگزار باید دو طرف بحران بتوانند به اجماع داخلی برسند و نه اینکه تنها نماینده بخشی از حاکمیت و قدرت در سرزمین خود باشند.

۳- محمد بابایی و میرعلی میر یوسفی (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «تأثیر صلح آبراهام (ابراهیم) بر مجموعه امنیتی منطقه‌ای خاورمیانه» اذعان می‌کنند که پیمان صلح آبراهام می‌تواند با کم‌رنگ کردن دشمنی با اسرائیل و برساختن تهدید مشترک از ایران منجر به شکستن انزوای منطقه‌ای رژیم صهیونیستی، تقویت قطب عربستان در مقابل محور مقاومت و کاهش پیوند میان سه زیرمجموعه در مجموعه امنیتی منطقه‌ای خاورمیانه شود؛ اما مخالفت مردم منطقه با این روند مانع جدیدی در مقابل پیمان صلح آبراهام است.

۴- حمید میناوند (۱۳۹۵) در پایان‌نامه خود «بررسی فرایند صلح فلسطین و اسرائیل بعد از قرارداد اسلو با تأکید بر عناصر هویتی» اذعان می‌کند که نقش عوامل هویتی را در شکست مذاکرات صلح اسرائیل و فلسطین پررنگ‌تر و اثرگذارتر است. بر همین اساس نقطه ثقل این مقاله فاکتورهای هویتی شکل‌دهنده دیدگاه‌های طرفین در مذاکرات است که به نوعی زمینه را برای ایجاد موانع فراوانی بهر روی هرگونه گشایش در روند مذاکرات، و عرصه را برای شکست این تدارکات به وجود آورده است.

نویسندگان پژوهش‌های یاده شده باوجود بررسی علت ناکامی طرح‌های صلح به بررسی نبود ترتیبات نهادی مشترک بین بازیگران درگیر درمسئله فلسطین که علت ناکامی و انسداد در

طرح‌های صلح است نپرداخته‌اند که وجه تمایز این نوشتار با مطالعات یادشده است. برای تشریح این مسئله از چهارچوب نظم انقلابی هنری کیسینجر استفاده شده است که تاکنون در دیگر مقالات بررسی شده به آن توجه نشده است؛ چرا که در مسئله فلسطین همیشه شاهد نوعی نظم انقلابی در بین بازیگران درگیر در منازعه در طرح‌های صلح بوده‌ایم.

۲. چهارچوب نظری: نظم باثبات و نظم انقلابی هنری کیسینجر

هنری آلفرد کیسینجر دیپلمات معروف امریکایی در ۲۷ مه سال ۱۹۲۳ در خانواده‌ای یهودی الاصل در کشور آلمان، شهر فورتن به دنیا آمد. او در سال ۱۹۳۸ به همراه خانواده از آلمان تحت کنترل نازی‌ها به آمریکا گریخت؛ در نیویورک ساکن شد و در سال ۱۹۹۳ تابعیت این کشور را کسب کرد. پست‌های سیاسی کیسینجر: مشاور امنیت ملی رئیس جمهور دسامبر ۱۹۶۸- تا ژانویه ۱۹۷۷، رئیس شورای امنیت ملی- ۱۹۶۷ تا ۱۹۷۵، وزیر امور خارجه- ۱۹۷۳ تا ۱۹۷۷. (کیسینجر، ۱۳۹۴: ۹-۱۰). کیسینجر پی برد که میان عوامل بروز جنگ در آغاز قرن نوزدهم و دهه سی قرن بیستم تشابه وجود دارد و جهان پس از این دو جنگ نیز باهم مشابه‌اند؛ زیرا پس از پایان این دو جنگ، تمایل کلی در ایجاد صلح همیشگی دیده می‌شود (هویدی، ۱۳۷۸، ۶۴). کیسینجر با الهام از سال‌های ۱۸۲۵ تا ۱۸۲۲ این فرض را مسلم می‌گیرد که صلح به عنوان یک هدف قائم به ذات به دست نمی‌آید بلکه برعکس، نتیجه یک سیستم با ثبات است که نقطه مقابل یک سیستم انقلابی بین‌المللی است. بنابراین کیسینجر دو مدل برای مطالعه سیاست بین‌الملل به دست می‌دهد: ۱- سیستم باثبات ۲- سیستم انقلابی. او مدعی است که ثبات حاصل نوعی مشروعیت مورد پذیرش عموم است. طبق تعریف کیسینجر، مشروعیت چیزی بیش از یک توافق بین‌المللی در مورد سرشت ترتیبات قابل اجرا و اهداف و شیوه‌های مجاز سیاست خارجی نیست مشروعیت حکایت از پذیرش چهارچوبی برای نظم بین‌المللی از سوی تمامی قدرت‌های بزرگ دارد، اما توافق نظر قدرت‌های بزرگ در مورد چهارچوب نظم بین‌المللی، منازعات بین‌المللی را از میان بر نمی‌دارد بلکه صرفاً دامنه آن را محدود می‌سازد. منازعه در داخل این چهارچوب محدودتر از منازعه بر سر این چهارچوب است. دیپلماسی که کیسینجر آن را «تعدیل اختلاف از طریق گفتگو» می‌داند تنها در آن دسته از سیستم‌های بین‌المللی امکان‌پذیر است که «مشروعیت حاصل آمده باشد». در مدل کیسینجر مقصود اصلی بازیگران ملی حفظ صلح نیست؛ چرا که معتقد است هر جا صلح به معنی پرهیز از جنگ، مقصود اصلی یک قدرت یا گروهی از قدرتها بوده سیستم بین‌المللی در اختیار بی‌رحم‌ترین عضو جامعه بین‌المللی قرار گرفته است. برعکس گاه نظم پذیرفته است که در مورد برخی اصول حتی به دلیل صلح هم نمی‌توان سازش کرد ثبات مبتنی بر تعادل نیروها دست کم قابل تصور بوده است (دوئرتی؛ فالتزگراف، ۱۳۸۳: ۱۸۰). یک نظام بین‌المللی که در آن قواعد اساسی توسط همه قدرت‌های بزرگ پذیرفته شده است می‌تواند «قانونمند» نامیده شود و نظامی که یک قدرت یا یک گروه از قدرت‌ها را در بر می‌گیرد و قواعد

و اصول ساماندهی و ساختار داخلی دیگر کشورها را رد می‌کند انقلابی نامیده می‌شود. یک نظام قانونمند جنگ‌ها و درگیری‌ها را غیر ممکن نمی‌داند بلکه دامنه آن را محدود می‌کند. جنگ‌ها ممکن است شروع شوند اما به شکل سیستم موجود خواهند بود و صلح به عنوان‌زبان بهتر نظام توافق‌شده پذیرفته می‌شود. از طرف دیگر در یک نظام انقلابی بحث بر سر سازگاری و تطابق در محدوده چهارچوب داده شده نیست بلکه بر سر وجود خود چهارچوب است (کیسینجر، ۱۳۹۴: ۶۶). از نظر هنری کیسینجر، مفاهیم مشروعیت، اجماع و نظم مبنای برای روابط بین‌المللی متری در میان ایالات است. وی اظهار داشت که یکی از دلایل تیره‌شدن روابط دولتها این است که این سه مفهوم مورد احترام قرار نمی‌گیرند و از اولویت برخوردار نبودند. او وانمود نمی‌کند که توجه بیشتر به مفاهیم مشروعیت، اجماع و نظم همیشه منجر به ایجاد روابط صلح آمیز بین‌المللی خواهد شد؛ بلکه معتقد است که درک و پیروی از این مفاهیم منجر به تولید حالت‌های تعامل سازنده‌تر می‌شود (Lishingman, 2000: 17). دیپلماسی یا به عبارت دیگر هنر حل و فصل منازعات از طریق مذاکره فرض را بر این دارد که همه قدرت‌های بزرگ چهارچوبی را که هم لزوم تغییر و انعطاف‌پذیری، هم همنوایی پیوسته را می‌شناسد قبول دارند؛ اما مذاکرات فقط وقتی می‌توانند موفقیت‌آمیز باشند که همه احزاب و طرف‌ها قاعده‌ای کلی و استاندارد مشترک را که بر بحث‌ها و منازعات آنها فایق باشد بپذیرد. آنها یا باید قبول داشته باشند که حفظ نظم نظام بین‌المللی از عقیده مخالف آنها مهمتر است یا نتایج و عواقب امتیاز ندادن از نتایج و عواقب امتیاز دادن برای حل و فصل مسئله بدتر و خطرناک‌تر خواهد بود یا هر دو در گذشته حل و فصل مسائل به این علت اتفاق می‌افتاده‌اند که شناخت امتیاز و خوبی همنوایی با ترسی از عواقب سرسختی و لجاجت توأم بود. هر چه علاقه قدرت‌های بزرگ به حفظ روابط حسنه بیشتر باشد توسل به زور یا تهدید به اعمال زور کمتر ضرورت داشته است (کیسینجر، ۱۳۹۴: ۲۰۹). نظم جهان در واقع عبارت است از مفهوم مورد پذیرش یک منطقه یا تمدن درباره چیستی مناسبات عادلانه و توزیع قدرتی که گمان می‌کنند باید بر همه جهان اعمال شود. نظم بین‌المللی، کاریست عملی این مفاهیم در بخش قابل توجهی از جهان به گونه‌ای است که تعادل قدرت در جهان را تحت تأثیر قرار دهد. نظم‌های منطقه‌ای نیز از همین اصول پیروی می‌کنند با این تفاوت که در یک منطقه مشخص اعمال می‌شود (کیسینجر، ۱۳۹۴: ۲۵-۲۶).

دلیل انتخاب این چهارچوب نظری این است که همانطور که جهان پس از قرن ۱۹ و ۲۰ مشابه‌اند جهان امروز نیز مشابه قرن گذشته است؛ چرا که تلاش‌های بسیاری جهت ایجاد یک صلح پایدار در جریان است بازیگران و گروه‌های بسیاری درگیر هستند، که بر اساس ایدئولوژی، مسائل سرزمینی، امنیتی، منافع ملی همواره بر سر چهارچوب کلی طرح‌ها توافق ندارند؛ چرا که منافع بازیگران کلیدی را تأمین نمی‌کند و همین باعث انسداد در طرح‌های صلح است. این طرح‌ها از

مشروعیت مورد پذیرش عموم برخوردار نیستند؛ در نتیجه به جای نظم منطقه‌ای باثبات، نظم منطقه‌ای ناپایدار و انقلابی ایجاد می‌شود.

۳. طرح‌های صلح فلسطین

در ۱۷ سپتامبر ۱۹۷۸ توافقنامه کمپ دیوید بین انور سادات رئیس جمهور وقت مصر و مناحیم بگین، نخست‌وزیر اسرائیل و با میانجی‌گری جیمی کارتر منعقد شد تا اسرائیل در بازه زمانی ۳ ساله، نیروهای نظامی خود را از شبه جزیره سینا خارج کند. ۶ ماه بعد، در الحاقیه‌ای که به عهدنامه کمپ دیوید افزوده شد، اسرائیل متعهد شد که همه ۴۵۰۰ شهروند خود را که در شبه جزیره سینا اسکان داده بود خارج کند و در عوض، مصر نیز «حق کشتیرانی آزاد» در کانال سوئز، تنگه تیران و دیگر آبراهه‌های پیرامون را برای اسرائیل به رسمیت بشناسد (میرحیدر؛ فره‌بیگی، ۱۳۹۶: ۱۲۲). موافقت‌نامه از دو سند اصلی تشکیل می‌شد: یک چهارچوب برای صلح در خاورمیانه و یک چهارچوب دیگر برای انعقاد پیمان صلح میان مصر و اسرائیل و نیز نامه‌های پیوست که بین کارتر و بگین و کاتر و سادات ردو بدل شده بود در سند دوم بار دیگر قطعنامه ۲۴۲ مورد تأیید قرار گرفت (شهرمادی، ۱۳۹۴: ۱۷۹-۱۸۰).

حرکت روند صلح در خاورمیانه با شعار «زمین در برابر صلح» و تلاش‌های «جیمز بیکر» وزیر امور خارجه بوش آغاز شد این مذاکرات در مادرید، پایتخت اسپانیا در تاریخ ۳۰ اکتبر ۱۹۹۱ و با حضور هیئت‌هایی از سوریه، لبنان و هیأت مشترک اردنی-فلسطینی آغاز شد. در طول این مذاکرات اسرائیل مخالف حضور هیأت مستقل فلسطینی به عنوان نماینده مردم فلسطین بود. همچنین اسرائیل مخالف حضور اعضای وابسته به ساف و یا فلسطینیان مقیم بیت‌المقدس شرقی و یا آوارگان بود؛ از این رو فلسطینی‌ها با عنوان هیأت مشترک اردنی-فلسطینی وارد این مذاکرات شدند. مذاکرات مادرید در ده دوره انجام شد. این دوران مصادف با نخست‌وزیری اسحاق شامیر از حزب لیکود در اسرائیل بود. سیاست‌های انعطاف‌ناپذیر شامیر در قبال مسائلی مهم چون شهرک‌ها و سرزمین‌های اشغالی باعث شد مذاکرات مادرید به نتیجه نرسد این مذاکرات از دور دهم به واشنگتن منتقل شد؛ زیرا علیرغم بن‌بست‌ها طی این روند، میان تمامی بازیگران بر سر تداوم مذاکرات تا دستیابی به یک نتیجه توافق وجود داشت (باباخانی، ۱۳۸۴: ۵۵). مذاکرات سری با امضای «اعلامیه اصول برای خودگردانی فلسطین» در واشنگتن و در سپتامبر ۱۹۹۴ به نتیجه رسید (بیات، ۱۳۷۹: ۷۳). توافق اسلو شامل «نامه‌های شناسایی دوجانبه» و «بیانه اصول» می‌شد. در نامه عرفات وی حق موجودیت اسرائیل را به رسمیت شناخت. بسیاری از قطعنامه‌های سازمان ملل را پذیرفت و تروریسم و مبارزه مسلحانه را نفی کرد. اسحاق رابین نخست‌وزیر اسرائیل نیز در نامه خود موافقت کرد که سازمان آزادیبخش فلسطین را به عنوان نماینده فلسطینی‌ها بشناسد و با آنان مذاکره کند؛ اما هیچ‌گونه شناسایی حق فلسطینی‌ها برای داشتن یک کشور در نامه وی عنوان نشده بود. بیانیه اصول در محوطه چمن کاخ سفید در ۱۳

سپتامبر ۱۹۹۳ به امضای طرفین رسید (محمدی، غفرانی، ۱۳۸۸: ۲۲۴). دور دوم مذاکرات که به قرارداد طابا یا اسلو ۲ معروف است تداوم و گسترش حکومت خودگردان فلسطینی در کرانه باختری را در برمی‌گیرد. در سند نهایی این قرارداد که در ۲۸ سپتامبر ۱۹۹۵ به امضای اسحاق رابین و یاسر عرفات رسید واگذاری شش شهر (نابلس، جنین، طولکرم، رام‌الله قلقیلیه، بیت لحم) در کرانه باختری به حکومت خودگردان تصریح شده است (محمودی نوران، ۱۳۹۵: ۱۱۷).

دونالد ترامپ در ۲۸ ژانویه ۲۰۲۰ به طور رسمی از طرح صلح خاورمیانه خود رونمایی کرد. دولت او از این طرح با عنوان «معامله قرن» یاد می‌کند. بندهای این طرح به این ترتیب است:

- ۱- تعیین ابودیس (شهرکی که تنها چهار کیلومتر مربع مساحت دارد) به عنوان پایتخت کشور مستقل فلسطین؛
- ۲- الحاق سیدرصد از اراضی کرانه باختری و نوار غزه به اراضی اشغالی.
- ۳- خلع سلاح‌های جنبش مقاومت اسلامی حماس در غزه و اعلام این منطقه به عنوان یک منطقه عاری از سلاح؛
- ۴- الزام فلسطینی‌ها برای به رسمیت شناختن «کشور یهود»؛
- ۵- عدم خروج صهیونیسم از هیچ شهرکی در اراضی اشغالی فلسطین؛
- ۶- تعیین قدس به عنوان پایتخت یکپارچه اسرائیل؛
- ۷- اراضی‌ای که خارج از دیوار حائل قرار دارد، جزئی از اغراضی فلسطین است؛
- ۸- حل و فصل مسئله آوارگان فلسطینی خارج از مرزهای سرزمین اشغالی.
- ۹- ساخت جاده‌ها و تونل‌هایی برای اتصال کرانه باختری به نوار غزه در کشور فلسطین (فرجی راد؛ شاملو، ۱۳۹۹: ۲۵۷-۲۵۸). اعلامیه دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا در ۱۳ اوت ۲۰۲۰ مبنی بر توافق اسرائیل و امارات متحده عربی برای عادی‌سازی روابط خود، در منطقه و سراسر جهان شگفتی ایجاد کرد. این تحول که نقطه عطفی در آینده سیاست منطقه‌ای بود، بعداً با توافق دیگری برای عادی‌سازی، این بار با یک کشور دیگر خلیج فارس، بحرین، دنبال شد. در بخشی از این تحولات که از اهمیت نمادین برخوردار است، وزرای خارجه امارات متحده عربی و بحرین در ۱۵ سپتامبر ۲۰۲۰ در کاخ سفید دیدار کردند و به اصطلاح توافقنامه ابراهیم را امضا کردند. (NumanTelci, 2020).

۴. طرح‌های صلح فلسطین: نظم انقلابی منطقه‌ای

در این بخش واکنش کشورهای کلیدی و درگیر به مهمترین طرح‌های صلح از جمله کمپ دیوید، کنفرانس‌های صلح مادرید، پیمان‌های اسلو، معامله قرن و پیمان ابراهیم مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۴-۱. کمپ دیوید

۴-۱-۱. کشورهای عربی مخالف کمپ دیوید

کشورهای عربی در واکنش به مذاکرات کمپ دیوید به سه گروه تقسیم شدند: گروه اول کاملاً مخالف بودند که شامل سوریه، عراق، الجزایر، یمن جنوبی، لیبی و سازمان آزادیبخش فلسطین

(ساف) می‌شدند و به «گروه جبهه پایداری» معروف شدند. گروه دوم کشورهایایی بودند که با این اقدام رژیم مصر همراهی نشان دادند. این گروه عبارتند از؛ مراکش، سودان و عمان است. گروه سوم کشورهای بی‌طرف بودند؛ از جمله عربستان سعودی، اردن و کشورهای حوزه خلیج فارس (شهمادی، ۱۳۹۴: ۱۸۴). در ذیل به سازمان آزادیبخش فلسطین، عراق، سوریه و اتحاد جماهیر شوروی پرداخته می‌شود.

۴-۱-۲. سازمان آزادیبخش فلسطین

عرفات به مناسبت خاطره شهدای انقلاب اسلامی ایران و طرح مسائل مربوط به فلسطینی‌ها، در فروردین ۱۳۸۵، پیامی به امام خمینی مخابره کرد که طی آن به اصطلاح مخالفت ضمنی خود را با طرح «کمپ دیوید» اعلام می‌کرد. در قسمتی از این پیام آمده است: «... اکنون که انقلاب اصیل اسلامی ملت مسلمان ایران پس از فداکاری‌های بی‌شمار به پیروزی رسیده ... ما با مثلث سه‌گانه امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع مواجهیم که به امید خدای تعالی قریباً به پیروزی خواهیم رسید. ضامن پیروزی ما همچون شما اراده قاطع و انقلابی ملت فلسطین است. رهنمودهای شما همواره راهنمای ما خواهد بود... آیا افتخاری از این بزرگتر خواهد بود که تقدیم به ملت فلسطین و اسلام شود که به جای موضع‌گیری ننگ‌آور حکومت مصر، بهترین و گرانبهاترین جایگزین آن انقلاب اسلامی و ملی ایران و همه مسلمانان آزاده دنیا اعطا شده است» (ثواب، ۱۳۸۱، ۵۸).

۴-۱-۳. عراق

صدام حسین در تلاش برای به دست آوردن نقشی عمده برای خود و اعلام رهبری منطقه‌ای برای کشورش، در نوامبر ۱۹۷۸ رهبران عربی را در راستای هماهنگ ساختن واکنش‌هایشان به توافقات کمپ دیوید بین مصر، اسرائیل و ایالات متحده به بغداد دعوت کرد. با وجود این نشست بغداد گامی فراتر از تهدید مصر به رویارویی با تهدیدات جدی اقتصادی در صورت امضای پیمان صلح با اسرائیل برنداشت. هنگامی که این مهم در اوایل سال ۱۹۷۹ تحقق یافت، هیچ سخنی از تحریم‌ها به میان نیامد و نشست دوم بغداد در سطح مقامات رده دوم، صرفاً گزینه انزوای دیپلماتیک مصر را برگزید. به این ترتیب مصر از جامعه عرب اخراج و مقر دبیرخانه جامعه نیز از قاهره به تونس منتقل شد. اپوزیسیون مخالف فرایند صلح به رهبری عراق نتوانست جلوی صلح مصر با اسرائیل را بگیرد؛ ولی نگرانی تل آویو را بابت مسیر حرکت سیاست عراق بیشتر کرد (جویدت، ۱۳۸۹، ۱۶۶-۱۶۷).

۴-۱-۴. سوریه

پس از اکتبر ۱۹۶۷ مصر راه مذاکره با اسرائیل را در پیش گرفت. سیاست گام به گام کیسینجر سرانجام به امضای قرارداد صلح با اسرائیل انجامید که سوریه به شدت با آن مخالفت کرد. حافظ اسد تصریح کرد که؛ پس از امضای قرارداد سینا بین مصر و اسرائیل ما با اسرائیل مذاکره نمی‌کنیم، هر چند مذاکره بخشی از سرزمین‌های ما را با شرایط قابل قبول به ما بازگرداند (دوریشی سه تلانی؛ فیاضی، ۱۳۹۵: ۱۲۶). دلیل مخالفت سوریه با قرارداد کمپ دیوید به دلیل پان عربیسم و ملی‌گرایی عربی و بازپس‌گیری بلندی‌های جولان بود.

الف: ملی‌گرایی عربی

در سال ۱۹۶۷ طی جنگ شش روزه اعراب و اسرائیل بلندی‌های جولان به اشغال اسرائیل در آمد. این امر مشکلات زیادی را به دنبال داشت و سبب نفوذ جناح مبارز حزب بعث در سیاست‌گذاری سوریه شد. در این مقطع ژنرال حافظ اسد - که وزارت دفاع و رهبری جنبش فدائیان را بر عهده داشت و به لحاظ فکری دنبال میانه‌رو بودی - نفوذ فوق‌العاده‌ای در دولت داشت. وی با حمایت ارتش در سال ۱۹۷۰ قدرت را به دست گرفت و در سال ۱۹۷۱ با ایجاد تغییراتی در قانون اساسی به مدت ۷ سال به ریاست جمهوری انتخاب شد. و بدین ترتیب نقطه عطفی در تاریخ سیاسی سوریه پدیدار، و به عصر کودتاها و بی‌ثباتی‌ها خاتمه داده شد (دوریشی سه تلانی؛ فیاضی، ۱۳۹۵: ۱۲۶).

ب: بلندی‌های جولان

در پیمان کمپ دیوید نیروهای اسرائیل باید طی سه سال پس از بستن پیمان از صحرای سینا عقب‌نشینند. در این هنگام بسیاری از سرزمین‌های کشورهای دیگر در خط مقدم، از جمله بلندی‌های جولان سوریه، نوار غزه و کرانه رود اردن در اشغال اسرائیل بود که در قرارداد اشاره‌ای به بازپس‌گیری‌شان نشده بود. شاید بتوان گفت صلحی که سادات بسته بود تنها برای مصر بوده است و کاری به دیگر کشورها نداشته است (https://www.tabnak.ir,1403). در این پیمان عملاً توجهی به قطعنامه ۲۴۲ شورای امنیت که خواستار عقب‌نشینی اسرائیل به مرزهای قبل از ۱۹۶۷ بود و در چهارچوب دو سند توافقنامه نیز مورد تأکید گرفته بود، نشد.

۴-۱-۵. اسرائیل

معاهده صلح با مصر برای مناخیم بگین دستاوردی برجسته و در راستای منافع اسرائیل به شمار می‌رفت. او قول‌های رسمی خود را در مورد کرانه غربی و فلسطین با ظرافت و هوشیارانه زیر پا گذاشته بود. در مورد معاهده دو جانبه هم اسرائیل توانست قدرت قابل توجه مصر را از توازن نظامی موجود خاورمیانه حذف، کرده و کفه را به سمت خود سنگین کند. این امر به اسرائیل اجازه می‌داد تا با فراغ‌بال به مصادره اراضی، شهرک‌سازی و تقویت قوای دفاعی خود در اراضی

اشغالی بپردازد. این شهرک‌سازی‌ها هنوز هم علیرغم گذشت سالیان طولانی باعث نگرانی است (کارت، ۱۳۸۶، ۹۸).

۴-۱-۶. اتحاد جماهیر شوروی

برنامه صلح اتحاد شوروی از سال ۱۹۷۳ شامل سه عنصر اصلی بود: خروج اسرائیل از اراضی اشغالی سال ۱۹۶۷، تشکیل دو دولت فلسطینی در غزه و نوار غربی رود اردن و شناسایی موجودیت همه کشورهای منطقه از جمله اسرائیل. برخلاف برنامه‌های مورد توجه شوروی، دیدار غیر مترقبه انور سادات از اسرائیل در نوامبر ۱۹۷۷ و پس از آن توافقنامه کمپ دیوید به سرعت تحولات خاورمیانه را جهت داد. مسکو در برابر این موافقتنامه موضعی دفاعی گرفت. رسانه‌های اتحاد شوروی، آن را «معامله اختصاصی» با اسرائیل خواندند. سیاست اصلی شوروی تا نیمه ۱۹۸۰ محصور کرد مصر و تلاش برای جلوگیری از انتشار آثار اقدام آن و پیوستن دیگر کشورها به این روند بود. اتحاد شوروی هدف سیاست‌های خود را انزوای مصر قرار داد. به دنبال این تحول‌ها و تنفر گسترده اعراب به قرارداد کمپ دیوید در سپتامبر ۱۹۷۸، صلح مصر و اسرائیل در مارس ۱۹۷۹ شکل گرفت. مسکو در پی تقویت جبهه ضدامپریالیستی در نبود مصر بود تا عراق و سوریه را در برابر این پیمان سازمان دهد (کولایی، ۱۳۹۹، ۵۵).

۱-۴-جدول توافقنامه کمپ دیوید و عدم توجه به منافع بازیگران درگیر و کلیدی

کامپ دیوید	طرح صلح
موافقتنامه از دو سند تشکیل شده است: ۱- چهارچوبی برای صلح در خاورمیانه ۲- چهارچوبی برای انعقاد صلح میان مصر-اسرائیل. در هر دو سند قطعنامه ۲۴۲ شورای امنیت مورد تأکید قرار گرفته بود. در سند دوم عقب‌نشینی اسرائیل از صحرای سینا، برقراری روابط دیپلماتیک میان طرفین، به رسمیت شناختن اسرائیل توسط مصر، آزادی کشتیرانی و پرواز هواپیماها در کانال سوئز، تنگه تیران و خلیج عقبه برای اسرائیل تصریح شد. دو مورد آخر به عنوان کانال‌های بین‌المللی اعلام شدند.	مفاد محوری
ایجاد اولین صلح بین اسرائیل و یک کشور عربی: صلح اسرائیل-مصر	نتایج
مخالفت با توافقنامه به این دلیل که هدف این سازمان که خود را به عنوان نماینده فلسطین معرفی می‌کرد آزادی‌سازی فلسطین از طریق مبارزه بود. علاوه بر آن در توافقنامه کمپ دیوید قطعنامه ۲۴۲ تأکید شده که خواستار عقب‌نشینی اسرائیل به مرزهای ۱۹۶۷ بود؛ اما اسرائیل از بلندی‌های جولان، کرانه باختری رود اردن و نوار غزه عقب‌نشینی نکرد و نتیجه‌ای برای ملت فلسطین در بر نداشت.	ساف
مخالفت با توافقنامه، عراق در ترتیبات نظام دو قطبی متحد شوروی محسوب می‌شد و رویکردی ضد غربی و مخالف دولت‌های هم‌پیمان غرب را داشت و اسرائیل به عنوان متحد استراتژیک آمریکا به شمار می‌رفت. در واقع عراق این اقدام را پذیرش قطعنامه ۲۴۲ و اسرائیل می‌دانست. علاوه بر این عراق داعیه رهبری جهان عرب را داشت.	عراق
مخالفت با توافقنامه به دو دلیل: سوریه دارای ایده پان‌عربیسیم و متحد شوروی بود. مهمترین دلیل مخالفت سوریه با توافقنامه کمپ دیوید عدم عقب‌نشینی اسرائیل از بلندی‌های جولان است.	سوریه
عدم توجه به سند چهارچوبی برای صلح در خاورمیانه در مورد خودمختاری کشور فلسطینی در کرانه باختری و نوار غزه. این قطعنامه در زمان حزب لیکود بسته شد. این حزب خواهان عدم تشکیل دولت فلسطینی و تداوم شهرک‌سازی است.	اسرائیل
مخالفت با توافقنامه کمپ دیوید. شوروی از تشکیل یک دولت فلسطینی در نوار غزه، کرانه باختری و شناسایی اسرائیل حمایت می‌کرد در توافقنامه کمپ دیوید توافق شده بود که اسرائیل فقط از صحرای سینا عقب‌نشینی کند. علاوه بر این قرارداد کمپ دیوید در نظام دو قطبی بسته شد. مصر را از جبهه شرق جدا می‌کرد و به سمت بلوک سرمایه‌داری سوق می‌داد، و شوروی از تسری آثار این توافقنامه بر دیگر دولت‌ها در خاورمیانه نگران بود.	شوروی

منبع: اطلاعات کتابخانه‌ای نگارندگان

۴-۲- کنفرانس صلح مادرید و پیمان‌های اسلو

کنفرانس صلح مادرید و پیمان‌های اسلو مورد مخالفت جمهوری اسلامی ایران (که در پیمان ابراهیم به آن پرداخته می‌شود)، گروه‌های فلسطینی و احزاب داخلی اسرائیل قرار گرفت. این بازیگران درباره طرح‌های صلح به توافق نرسیدند.

۴-۲-۱. گروه‌های فلسطینی

در خصوص مذاکرات صلح ماده ۱۳ منشور چنین بیان می‌دارد: «تمام آنچه راه‌حل‌های صلح آمیز و کنفرانس‌های بین‌المللی برای حل مسئله فلسطین خوانده می‌شود همگی با دکترین جنبش مقاومت اسلامی در تعارض‌اند؛ زیرا صرف نظر کردن از بخشی از سرزمین مادری به منزله صرف نظر کردن از قسمتی از ایمان و مذهب است. با ملاحظه ماده ۱۵ منشور هیچ راه‌حلی جز جهاد برای حل مشکل فلسطین وجود ندارد. هنگامی که قسمتی از سرزمین اسلامی تحت اشغال دشمن درآید، جهاد بر همه مسلمانان واجب می‌شود. بنابراین تمامی ابتکارات صلح، اتلاف وقت و اعمال بیهوده است. در همین راستا حماس با کنفرانس صلح مادرید در ۱۹۹۱ مخالفت کرد و به ضدیت خود در مشارکت در کنفرانس جاری اعراب و اسرائیل ادامه داد (علیتقی پور، ۱۳۹۵: ۱۱۱). موضع‌گیری حماس در قبال قرارداد اعلامیه اصول مشترک اسرائیل و ساف و پیامدها آن با سیاست‌های اعلام‌شده این جنبش مبنی بر «مخالفت با پایمال شدن حقوق ملت فلسطین و مشروعیت‌دهی به اشغالگری و به رسمیت شناختن موجودیت اشغالگران و غصب سرزمین فلسطین» منسجم بود. بیانیه دوره‌ای حماس به محکوم کردن این قرارداد و افشای جنبه‌های منفی آن اختصاص یافت. جنبش حماس همچنین مخالفت خود را با پیامدهای قرارداد اسلو در تمامی جنبه‌های آن از جمله توافق اقتصادی و اجرای بند اول (غزه - اریحا در گام اول) که در قاهره به تاریخ ۴ ماه مه ۱۹۹۴ به امضا رسید و دیگر قرارداد قاهره و طابا اعلام کرد (ایاد برغوثی؛ الحمد، ۱۳۸۲: ۲۳). جنبش جهاد اسلامی فلسطین اعلام کرد به هر گونه سیاست و برنامه ای که باعث تقویت و تثبیت اسرائیل و حضور این رژیم در هر بخشی از خاک فلسطین شود، عکس‌العمل نشان داده و در حد امکان دست به اقدامات لازم می‌زند. از نظر این جنبش برنامه صلح آمریکایی و سازش با اسرائیل موجب تقویت و تثبیت نظام اسرائیل و تأمین منافع حیاتی و نامشروع آن رژیم خواهد شد. بنابراین در برابر این روند ناعادلانه شدیداً موضع گرفته و بعنوان یک بازیگر مؤثر نقش بازدارندگی را در برابر روند صلح ایفاء کرده است. از آنجا که ایفای این نقش شدیداً تحت تأثیر نقش بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران در برابر صلح ناعادلانه صلح بوده است، بنابراین می‌توان ادعا کرد که جمهوری اسلامی ایران نقش مخالف و بازدارندگی در برابر روند صلح خاورمیانه را همچنین از طریق جهاد اسلامی فلسطین ایفا می‌کند (سلیمانی جلودار، ۱۳۸۰: ۲۵۷).

۴-۲-۱. اسرائیل

با کشته شدن اسحاق رابین روند صلح دچار وقفه شد و هیچ یک از بندهای قرارداد اسلوی ۲ به اجرا در نیامد. تعلل پرز در اجرای مفاد این قرارداد، به علت نگرانی وی از انتخابات آینده بود؛ زیرا با اجرای قرارداد طابا و تخلیه کرانه باختری، آرای شهرک‌نشینان و یهودیان افراطی را از دست می‌داد. پرز برای پیروزی در انتخابات نخست وزیری، شهرک‌سازی را گسترش داد و در اواخر حکومتش، جنگ شانزده روزه «خوشه‌های خشم» را علیه حزب الله لبنان به راه انداخت که ناکامی وی در این جنگ یکی از دلایل عمده سقوط وی از پست نخست وزیری بود. پس از آن، بنیامین نتانیاهو رئیس دست راستی و افراطی لیکود، به جای پرز نخست وزیری را برعهده گرفت. اصول کلی سیاست‌های نتانیاهو مبتنی بر مخالفت با مباحث اصلی کنفرانس‌های صلح مادرید و اسلو بود. او از حزب لیکود اصل «صلح در برابر زمین» را مردود دانسته و شعار «صلح در برابر صلح» و استراتژی صلح در برابر امنیت را مطرح کرد که آثار مهمی بر تمام ابعاد طرح صلح خاورمیانه به جا نهاد (ولایتی، ۱۳۸۶: ۱۵۰).

جدول ۴-۲- کنفرانس صلح مادرید، پیمان‌های اسلو و عدم توجه به منافع بازیگران درگیر و کلیدی

طرح‌های صلح	کنفرانس صلح مادرید و پیمان‌های اسلو
مفاد محوری	اساس کار کنفرانس صلح مادرید صلح در برابر زمین بود. توافقنامه اسلو یک متضمن ایجاد تشکیلات خودگردان فلسطین در بخش کوچکی از کرانه باختری و نوار غزه، شناسایی متقابل (ساف - اسرائیل)، نفی تروریسم و مبارزه مسلحانه است و مسائلی مانند بیت المقدس، شهرک‌سازی، آوارگان فلسطینی، تعیین مرزها به توافق دائمی موکول شد. در پیمان اسلو ۲ به ترتیب لازم جهت واگذاری شهر (نابلس، بیت‌الحم، جنین، رام‌الله، قلقیله، طورلکرم) پرداخته شده بود.
نتایج	این کنفرانس نقطه آغاز فرایند سازش است. توافقنامه اسلوباغت شناسایی متقابل ساف و رژیم صهیونیستی و موجودیت تشکیلات خودگردان شد؛ اما نتوانست یک صلح باثبات اکنند.
گروه‌های فلسطینی	۱- حماس؛ مخالف؛ چرا که صرف نظر کردن از بخشی از سرزمین مادری براساس منشور حماس نادرست است و همواره بر جهاد برای آزادسازی فلسطین تأکید دارد. ۲- جهاد اسلامی؛ از نظر این جنبش سازش با اسرائیل سبب تقویت و تثبیت اسرائیل در منطقه می‌شد و حضور اسرائیل را در هیچ‌بخشی از خاک فلسطین نمی‌پذیرید. ایفای این نقش تحت تأثیر نقش بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران است
اسرائیل	رویکرد اسرائیل در قبال آنها، عدم پذیرش صلح در برابر زمین، عدم عقب‌نشینی نیروهای اسرائیلی از مناطق اشغالی، ادامه شهرک‌سازی‌ها، عدم تقسیم بیت المقدس و شناسایی آن به عنوان پایتخت خود و عدم توجه به مسئله آوارگان است.

منبع: اطلاعات کتابخانه‌ای نگارندگان

۴-۳-معامله قرن

در میان کشورهای منطقه اجماع در مورد طرح ترامپ وجود ندارد. در حالی که عربستان و امارت متحده عرب از این طرح حمایت می‌کنند، جمهوری اسلامی ایران، اردن، تشکیلات خودگردان، حماس، سازمان جهاد اسلامی، روسیه و اتحادیه اروپا این طرح را رد کرده‌اند.

۴-۳-۱. بازیگران داخلی فلسطین

۴-۳-۱-۱. تشکیلات خودگردان فلسطین

در پروژه معامله قرن بخش عظیمی از تشکیلات خودگردان و حتی محمود عباس بارها مخالفت خود را با طرح معامله قرن اعلام کردند. دلیل مخالفت محمود عباس با این طرح این است که بیش از یک دهه وی و تشکیلات خودگردان مشروعیت خود را با بازپس‌گیری بخشی از حقوق فلسطینیان از طریق مذاکره گره زده بودند. لذا معامله قرن را می‌توان تیر خلاصی بر محمود عباس و تشکیلات خودگردان دانست. مخالفت صریح محمود عباس با طرح معامله قرن موجب شده است روابط تشکیلات خودگردان با آمریکایی‌ها به پایین‌ترین سطح خود در سال‌های اخیر برسد (علی نژاد، ۱۳۹۹: ۸۳).

۴-۳-۱-۲. حماس و جنبش جهاد اسلامی

جنبش جهاد اسلامی از مخالفان اصلی این طرح است و رویکردهای سازشکارانه را محکوم می‌کند. خالد البیش از رهبران این جنبش و عضو دفتر سیاسی جهاد اسلامی در سخنانی به نمایندگی از گروه‌های فلسطینی اظهار کرد: «فشار صهیونیست‌ها بر فلسطینیان با هدف به زانو درآوردن آنها بیشتر می‌شود تا معامله موسوم به قرن به مرحله اجرا درآید و فلسطینیان وادار شوند قدس را به پایتختی رژیم صهیونیستی و کرانه باختری را به مثابه بخشی از اراضی تحت سیطره این رژیم به رسمیت بشناسد... هدف از معامله قرن نه تنها فلسطین بلکه تقسیم کل منطقه است». دفتر سیاسی حماس در بیانیه‌ای تأکید کرده است: «ما مخالفت قاطع خود را با آنچه معامله قرن نامیده می‌شود اعلام می‌کنیم و بر ادامه تظاهرات بازگشت تا تحقق اهداف آن تأکید می‌کنیم. حق مشروع ملت ماست که همه انواع مبارزه مشروع تا نابودی اشغالگران را ادامه دهیم و اهداف ملی ثابت خود را محقق سازیم. ما به شدت هرگونه تلاش رسمی و غیررسمی عربی یا داخلی برای عادی‌سازی روابط با رژیم غاصب صهیونیستی را محکوم می‌کنیم» (همان، ۱۳۹۹: ۸۴-۸۴).

۴-۳-۲- بازگران منطقه‌ای

۴-۳-۲-۱ اردن

هرگونه طرحی از سوی آمریکا برای برقراری صلح میان رژیم صهیونیستی و فلسطینی‌ها، پیامدهای مستقیمی بر اردن به جای خواهد گذاشت. بنابراین مخالفت اردنی‌ها با طرح تشکیل «کنفدراسیون مشترک» و «معامله قرن» نه به دلیل منافع و مصالح مردم فلسطین و حمایت از مقدسات آنها، که برحسب منافع ملی و مصالح داخلی خودشان صورت می‌گیرد؛ زیرا این طرح‌ها کشور اردن را به مخاطره خواهد انداخت. این در حالی است آوارگان فلسطینی بر حق بازگشت خود تأکید، و دفاع از این حق را از سوی مقامات سیاسی اردن وظیفه‌ای اخلاقی و شرعی قلمداد می‌کنند. این امر اردن را که دو سوم جمعیتش رافلسطینیان تشکیل می‌دهند در برابر فشارهای مضاعف قرار داده است. از یک سو پذیرش معامله قرن باعث تجزیه این کشور و به مخاطره افتادن امنیت ملی آن می‌شود و از سوی دیگر هرگونه تسلیم و همراهی با طرح آمریکایی-صهیونیستی و نادیده گرفتن خواست و اراده فلسطینی‌های ساکن اردن باعث شکل‌گیری اعتراضات و التهابات گسترده اجتماعی و نهایتاً به خطر افتادن حیات سیاسی پادشاهی خواهد شد. همچنین مقامات اردنی کاملاً آگاهند که طرح آمریکایی-صهیونیستی به دنبال خارج کردن اماکن اسلامی فلسطین و مسجد الاقصی از کنترل وزارت اوقاف و امور مقدسات اسلامی اردن و واگذاری تأمین امنیت این اماکن فوق به رژیم صهیونیستی است (https://iranthinktanks.com, ۱۳۹۸).

۴-۳-۲- سوریه

اگر نگاه واقع‌گرایانه به منازعات سوریه و اسرائیل داشته باشیم، مهمترین دلیل مخالفت سوریه از ابتدا تاکنون، با معامله قرن و تمامی طرح‌های صلح، اشغال بلندی‌های جولان توسط رژیم صهیونیستی و عدم عقب‌نشینی اسرائیل از این منطقه است که بر امنیت سوریه تأثیر مستقیم دارد. در معامله قرن بلندی‌های جولان به عنوان قلمروی اسرائیل در نظر گرفته شده است؛ در حالی که در قطعنامه‌های شورای امنیت، بلندی‌های جولان متعلق به سوریه است. در واقع سوریه به دلیل کشمکش‌های ژئوپلیتیک با اسرائیل درگیر است و به دنبال امتیازات هویتی و فرهنگی نیست و حتی از محور مقاومت به صورت ابزاری برای بازپس‌گیری بلندی‌های جولان از اسرائیل استفاده می‌کند.

۴-۳-۳. بازیگران فرامنطقه‌ای

۴-۳-۳-۱. روسیه

روسیه در بند ۹۲ سند تدبیر سیاست خارجی خود که در نوامبر ۲۰۱۶ به تصویب رساند تأکید دارد که حل مناقشه عربی و اسرائیل را بر مبنای حقوق بین‌الملل پیگیری خواهد کرد. روسیه نمی‌خواهد پس از اینکه آمریکا اقدامات یکجانبه‌ای را در جهت منافع اسرائیل انجام دهد فرصت محوری خود را در مسئله فلسطین از دست دهد. به نظر می‌رسد از زمانی که محمود عباس رئیس خودگردان تشکیلات فلسطین پس از اعلام ترامپ مبنی بر انتقال سفارت آمریکا به بیت المقدس گفته بود با روند صلح تحت سازوکار آمریکا کار نخواهد کرد و از روسیه و چند سازمان خواسته بود تا بازیگری در روند صلح را بپذیرند، مسکو روابط با فلسطین را افزایش داده است. روسیه می‌داند که مسئله فلسطین همواره مورد توجه مسلمانان قرار دارد روسیه از امکان حضور خود در سازمان همکاری اسلامی به عنوان ناظر برای توسعه روابط با کشورهای المللی بهره می‌برد و جهت‌گیری روسیه به نفع اسرائیل این پیوند را خواهد گسست. هدف اصلی پوتین در زمینه سیاست خارجی در سال‌های اخیر، بازگرداندن روسیه به «بالا‌ترین سطح سیاست‌های جهانی و خاورمیانه» است (https://www.scfr.ir,1400).

۴-۳-۳-۲. اتحادیه اروپا

اتحادیه اروپا همواره در خصوص مسئله فلسطین بر پایه دو دولت و مرزهای ۱۹۶۷ اصرار کرده، و همواره در سیاست‌های اعلامی‌اش این راهبرد را دنبال کرده است؛ راهبردی که سیاست اعلامی بسیاری از کشورهای اسلامی اعم از اتحادیه عرب و ترکیه هم تبدیل شده است. حامیان این طرح به طور مشخص بر عقب‌نشینی اسرائیل از سرزمین‌های اشغال شده در ۱۹۶۷ شامل بلندی‌های جولان و بیت المقدس شرقی و پذیرش تشکیل یک دولت فلسطینی به پایتختی بیت المقدس شرقی و همچنین یافتن راه حلی برای بازگشت آوارگان فلسطینی تأکید می‌کنند. بنابراین بسیار طبیعی است که همه آنهایی که بر این راهبرد و نگرش در خصوص راه حل مسئله فلسطین تأکید داشته‌اند به صراحت طرح معامله قرن را محکوم و رد می‌کنند؛ زیرا در این طرح حق بازگشت آوارگان، قدس شرقی، بخش‌هایی از کرانه باختری و بلندی‌های جولان نادیده گرفته شده است (فایضی: ۱۳۹۹).

جدول ۴-۳- طرح صلح معامله قرن و عدم توجه به منافع بازیگران درگیر و کلیدی

مفاد محوری	طبق این طرح، بخش‌های دیگری از فلسطین شامل قسمتی از کرانه باختری که به دولت فلسطین تعلق دارد، به اسرائیل واگذار می‌شود. در عوض اسرائیل با تشکیل دولت مستقل فلسطین در نیمه دیگر کرانه باختری و تمام نوار غزه با حاکمیت محدود موافقت می‌کند. قدس پایتخت اسرائیل باشد و شهر ابودیسبه، پایتخت فلسطین در نظر گرفته شود. در این طرح در مورد آوارگان بختی به میان نیامده است و همچنین حماس باید خلع سلاح شود.
نتایج	عدم پذیرش توسط کشورهای درگیر و کلیدی، عدم موفقیت در ایجاد صلح پایدار منطقه‌ای.
گروه‌های فلسطینی	مخالفت با معامله قرن، بندهای این معامله با اهداف و ایدئولوژی حماس و جهاد اسلامی در تضاد بود. سازمان تشکیلات خودگردان نیز مخالفت کرد؛ چرا که مشروعیت خود را از دست می‌داد.
اردن	مخالف؛ به دلیل اینکه تغییر در وضعیت کرانه باختری و اشغال بخش‌های دیگری از آن موجب آواره شدن بخشی از فلسطینیان به سوی اردن خواهد شد و این در حالی است که در این طرح سخنی از بازگشت آوارگان به میان نیامده بود. در واقع مطابق این طرح اسرائیل مسئولیتی در قبال آوارگان نداشت و به قطعنامه ۱۹۴ توجهی نشده بود.
سوریه	مخالف با معامله قرن؛ جدا از دیدگاه‌های ارمانگرایانه مقامات سوریه مهمترین دلیل مخالفت سوریه بازپس‌گیری بلندی‌های جولان است که در معامله قرن به عقب‌نشینی رژیم صهیونیستی از بلندی‌های جولان اشاره نشده بود.
اتحادیه اروپا	مخالف؛ به دلیل اینکه معامله قرن بدون توجه به قطعنامه‌های سازمان ملل و بازگشت به مرزهای ۱۹۶۷ مطرح شد و مورد دیگر، یکجانبه‌گرایی ایالات متحده بود. علاوه بر آن اتحادیه اروپا به دنبال کسب اعتبار سیاسی از طریق میانجی‌گری در مسئله فلسطین است.
روسیه	مخالف؛ تأکید روسیه بر تشکیل دو دولت و توجه به قطعنامه‌های سازمان ملل، شناسایی قدس شرقی به عنوان پایتخت فلسطین، مشارکت گروه‌های فلسطینی و موازنه قوای منطقه و مقابله با آمریکا است.

منبع: اطلاعات کتابخانه‌ای نگارندگان

۴-۴. پیمان ابراهیم

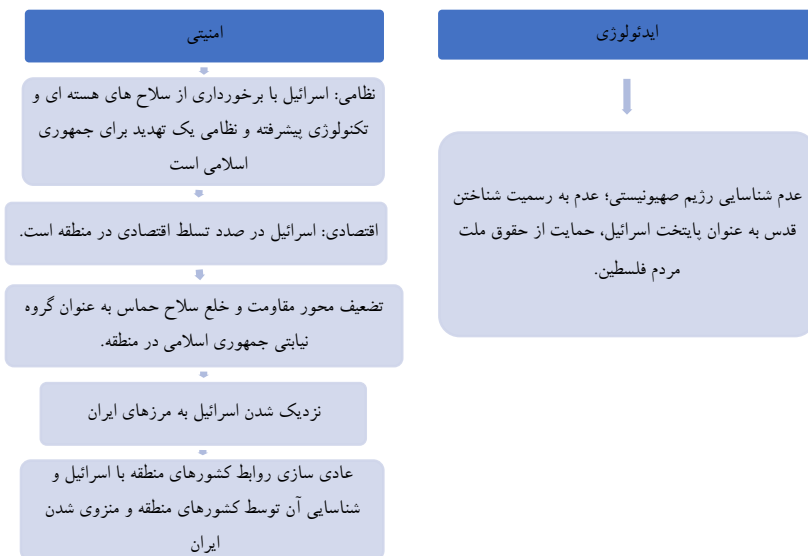
این توافقنامه مورد استقبال مصر، بحرین، کشورهای اروپایی و سازمان ملل متحد قرار گرفته است. از طرف دیگر مورد مخالفت ایران، ترکیه و گروه‌های فلسطینی حماس، جهاد اسلامی، فتح بوده است که در ادامه به کشورها و گروه‌های مخالف پرداخته می‌شود.

۴-۴-۱. گروه‌های فلسطینی

مقامات فلسطینی، جنبش حماس، فتح و جهاد اسلامی فلسطین با انتشار بیانیه‌هایی امضای توافق‌نامه عادی‌سازی روابط امارات متحده عربی با اسرائیل و انکس نشان دادند (https://www.aa.com.tr/fa, ۱۳۹۹/۵/۲۵). لاوانت باشترک استاد دانشگاه اسکی شهیر ترکیه با معرفی فلسطین به‌عنوان بازنده توافق امارات-رژیم صهیونیستی اظهار داشت این توافق سبب می‌شود که دست اسرائیل در برابر فلسطینی‌ها بازتر شود؛ چراکه با شناسایی این رژیم نامشروع توسط برخی از دولت‌های عربی، نتانیاهو می‌تواند خواسته‌های خود همچون شهرک‌سازی و الحاق کرانه باختری را راحت‌تر دنبال کند. باشترک ادامه داد در مجموع این توافق باعث قدرت بیشتر اسرائیل و تضعیف مبارزه‌طلبی فلسطینی‌ها می‌شود و اگر عربستان هم بخواهد به این توافق بپیوندد دست فلسطینی‌ها برای مقاومت بیش از پیش بسته خواهد (عرب‌گری: ۱۴۰۰).

۴-۲-۴. جمهوری اسلامی ایران

جمهوری اسلامی ایران با کنفرانس صلح مادرید، پیمان‌های اسلو، معامله قرن و پیمان ابراهیم مخالفت کرده است. در واقع تهدید اسرائیل نسبت به ایران ابعادی دارد: یکی تهدید هستی‌شناختی است؛ یعنی عناصر هویتی اسرائیل با عناصر هویتی و جوهری اسلامی ایران هماهنگی ندارد. موجودیت جمهوری اسلامی ایران با رژیم صهیونیستی با هم تناقض دارد و سازه جمهوری اسلامی ایران بقا و تداوم و حتی شکل‌گیری‌اش بر مبنای دگرسازی با رژیم صهیونیستی بوده است. لذا قرائت جمهوری اسلامی ایران از اسلام با قرائت‌هایی که با صهیونیسم تنازع دارند همخوانی دارد. در واقع جمهوری اسلامی ایران از محور مقاومت برای مقابله با اسرائیل استفاده می‌کند و یکی از ابزارهای بازدارندگی ایران محسوب می‌شود. جدا از امنیت هستی‌شناختی بعد دیگر تهدید علیه امنیت فیزیکی جمهوری اسلامی ایران است. اسرائیل با برخورداری از سلاح‌های هسته‌ای و تکنولوژی پیشرفته و حمایت‌های سیاسی، نظامی و دیپلماتیک ابرقدرت-ها تهدیدی برای جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌آید. پس ملاحظات امنیت ملی ایران نیز در کنار ملاحظات ایدئولوژیک، مهم و تأثیرگذار است و این دو در کنار هم سیاست خارجی ایران را در برابر رژیم صهیونیستی شکل می‌دهد.



شکل ۴-۱- دلایل مخالفت جمهوری اسلامی با طرح‌های صلح. منبع: نگارندگان

۴-۴-۳. ترکیه

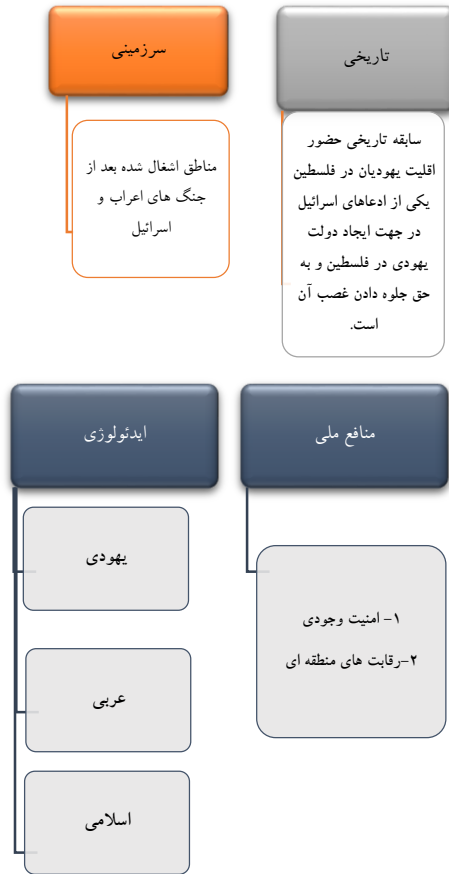
ترکیه هم مانند ایران خیلی زود توافق امارات و اسرائیل را محکوم کرد؛ چون این نزدیکی مانعی در مسیر اهداف اردوغان است. اردوغان هم می‌خواهد هلال مختص خود را در خاورمیانه

از خلیج فارس تا مدیترانه از جمله در آفریقای شمالی ایجاد کند و سرزمین‌هایی که در تاریخ گذشته به ترکیه تعلق داشتند را مجدداً بازگرداند. به علاوه او سعی دارد شکوه مسلمانان را بازگرداند و روح و مسیر اسلام‌گرایی افراطی سنی را تجسم بخشد. اردوغان این هدف را از طریق یک انقلاب داخلی در ترکیه با هدف تربیت نسلی متدین و حمایت از اخوان المسلمین دنبال کرده است. اکنون ترکیه به طور واقعی مقر اخوان المسلمین به شمار می‌رود و اردوغان هم مدعی رهبری اهل سنت خاورمیانه است (لیبی؛ هیلل، ۱۳۹۹).

جدول ۴-۵- پیمان ابراهیم و عدم توجه به منافع بازیگران درگیر و کلیدی

مفاد محوری	در راستای این توافق اسرائیل موافقت کرده است در ازای عادی‌سازی روابط با امارت برنامه‌های الحاق کرانه باختری را به حالت تعلیق در آورد.
نتایج	صلح امارات و اسرائیل به عنوان سومین کشور و تسری این عادی‌سازی به بحرین و دیگر کشورها
گروه‌های فلسطینی	مخالفت با پیمان به دلیل عدم توجه به مسئله بیت المقدس، مسئله پناهندگان، مسئله آب و دولت مستقل فلسطین. یکی دیگر از عوامل مخالفت گروه‌های فلسطینی با طرح‌های صلح بحث هویتی است؛ یعنی حماس و جهاد اسلامی هویت خود را در تضاد با موجودیت اسرائیل می‌دانند؛ یعنی هویت و وجود دیگری تهدیدی برای هویت و موجودیت دیگری است. در واقع حماس و جنبش جهاد اسلامی به دلیل ایدئولوژی و هدف‌های استراتژیک (آزادسازی همه سرزمین‌های اشغالی و ایجاد دولت مستقل فلسطینی) با طرح‌های صلح مخالفت کرده‌اند.
ترکیه	مخالف با پیمان ابراهیم به دلایل دیدگاه نوعثمانی‌گرایی و تضاد منافع با امارت
جمهوری اسلامی ایران	مخالف پیمان، امنیت هستی‌شناختی و امنیت فیزیکی

منبع: اطلاعات کتابخانه‌ای نگارندگان



شکل ۴-۲- عواملی که موجب کارشکنی در طرح های صلح شده اند. منبع: نگارندگان

۵- نتیجه گیری

با توجه به جمع بندی و تحلیل مطالب فوق طرح های صلح درباره حل مسئله فلسطین فاقد ترتیبات نهادی-ساختاری مورد توافق بازیگران اصلی درگیر در مناقشه است و این مسئله باعث ناکامی تمامی طرح های صلح شده است. در این مقاله از چهارچوب نظری، نظم باثبات و نظم انقلابی هنری کیسینجر بهره گرفته شد. تمام داده ها و بررسی ها حاکی از رعایت حرکت در چهارچوب نظری هنری کیسینجر است. در مسئله فلسطین بازیگران به چهار دسته بازیگران منطقه ای، فرامنطقه ای، گروه های فلسطینی و احزاب و جریانات داخلی اسرائیل تقسیم می شوند. هر کدام از بازیگران براساس ایدئولوژی و منافع خود با برخی یا همه پیمان ها و طرح های صلح مخالفت کردند. در مسیر صلح برخی کشورهای منطقه با وجود مخالفت اولیه، با رژیم صهیونیستی

پیمان صلح امضا کردند؛ مانند مصر، اردن، امارات، برخی بازیگران با طرح‌های صلح و به رسمیت شناختن اسرائیل مخالفت کرده‌اند؛ مانند جمهوری اسلامی ایران که به حمایت از محور مقاومت جهت دستیابی به دولت مستقل فلسطین پرداخته است. حماس و جهاد اسلامی نیز از ابتدا تاکنون مخالف دادن بخشی از خاک فلسطین به اسرائیل هستند. هر کدام از بازیگران بر اساس مسائل تاریخی، هویتی، ایدئولوژیکی، ارضی، منافع ملی و مسائل امنیتی با مسئله فلسطین و طرح‌های صلح برخورد کرده‌اند. چهارچوب این طرح‌ها به گونه‌ای بوده است که منافع دولت‌های خاصی دنبال و منافع دیگری نادیده گرفته می‌شد و از مشروعیت مورد پذیرش تمامی گروه‌ها و طرف‌های درگیر در بحران‌برخوردار نبودند. در واقع بر سر چهارچوب طرح‌های صلح اجماعی صورت نگرفته و همچنان دولت‌های بوده‌اند که رویکردی انقلابی را در پیش گرفتند و نظم مطرح شده را نپذیرفته‌اند. پس یک دولت نمی‌تواند صلح و نظم باثبات در مسئله فلسطین را به تنهایی ایجاد کند؛ مگر اینکه به توافقی با دیگر کشورهای درگیر در بحران برسد؛ نظمی باثبات که امنیت را برای اسرائیل و صلح را برای فلسطین به ارمغان آورد؛ به شرط اینکه هیچ کدام از طرف‌های ذینفع از آن طرح ایجاد شده ناراضی نباشند و خودشان را در آن چهارچوب بدانند و در آینده تلاشی برای از بین بردن نظم ایجاد شده نکنند. در این صورت آن نظم باثبات می‌شود. در این نظم قانونمند که از طریق توافق کشورها به وجود آمده است دامنه جنگ‌ها محدود می‌شود. پس مشروعیت، اجماع و نظم سه مفهوم مهم در بین دولت‌ها است و می‌تواند در مسئله فلسطین کارآمد باشد. در طرح‌های صلح ما شاهد طرح‌های قانونمند نبوده‌ایم و سه مفهوم اجماع، مشروعیت و نظم عملاً نادیده گرفته شده است. لذا توجه به اصول، منافع، اهداف و ایدئولوژی این بازیگران منطقه‌ای، فرامنطقه‌ای، گروه‌ها و احزاب درگیر می‌تواند در حل این منازعه رام نشدنی که سال‌هاست گریبانگیر مردم فلسطین و خاورمیانه بوده است تأثیرگذار باشد.

کتابنامه

- جودت، بهجت (۱۳۸۹). اسرائیل و خلیج فارس (گذشته و آینده)، مترجم علی‌رضا قربان پور، تهران: دانشگاه امام خمینی.
- الحمد، جواد، ایاد برغوثی (۱۳۸۲)، سیری در اندیشه سیاسی جنبش حماس، ترجمه سید حسین موسوی، تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
- ثواقب، جهانبخش (۱۳۸۱). ایران و سازمان آزادیبخش فلسطین (۱۳۵۷-۱۳۶۷)، شیراز: بی‌نا.
- دوئرتی، جیمز؛ فالتزگراف، رابرت (۱۳۸۳). نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل، مترجمین علیرضا طیب؛ وحید بزرگی، تهران: قومس، چاپ سوم.
- شهرادی، حسین (۱۳۹۴). کمپ دیوید خیانت به آرمان فلسطین، قم: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- علی نژاد، زهرا (۱۳۹۹). معامله قرن، تهران: شهر یاس.

غفرانی، پیروز؛ محمدی، منوچهر (۱۳۸۸). بحران فلسطین و راه حل آن، تهران: وزارت امور خارجه.

کارتر، جیمی (۱۳۸۶). «فلسطین؛ صلح نه تبعیض»، ترجمه مهران قاسمی، تهران: ثالث. کیسینجر، هنری (۱۳۹۸). «نظم جهانی؛ تأملی در ویژگی ملت‌ها و جریان تاریخ»، مترجم: محمد تقی حسینی، چاپ چهارم، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی. کیسینجر، هنری (۱۳۹۴). سلاح‌های هسته‌ای و خط مشی سیاسی امریکا، ترجمه محمودوزیری نسب، تهران: امیرکبیر.

کولایی، الهه (۱۳۸۳). «علل و پیامدهای توسعه روابط فدراسیون روسیه و اسرائیل (با نگاهی به جمهوری اسلامی ایران)»، تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی ولایتی، علی اکبر (۱۳۸۶). جمهوری اسلامی ایران و تحولات فلسطین (۱۳۸۵-۱۳۵۷، ۲۰۰۶-۱۹۷۹)، تهران: مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی.

هویدی، امین (۱۳۷۸). کیسینجر و استراتژی‌های آمریکا، ترجمه صفالدین گچی، تهران: سیمرغ.

باباخانی، لیلا (۱۳۸۵). «سیاست‌های دول اسرائیلی در قبال تشکیل دولت مستقل فلسطین (از صلح اسلو تا طرح صلح نقشه راه)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته روابط بین الملل، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده اقتصاد و سیاسی.

سلیمانی جلودار، یونس (۱۳۸۰). «فرایند صلح در خاورمیانه و بازتاب آن بر روابط ایران و آمریکا»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته روابط بین الملل، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده اقتصاد و سیاسی.

میناوند، حمید (۱۳۹۵). «بررسی فرایند صلح فلسطین و اسرائیل بعد از قرارداد اسلو با تأکید بر عناصر هویتی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مطالعات منطقه‌ای خاورمیانه، دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی شهید بهشتی تهران.

محمودی نوران، عبدالرضا (۱۳۰۰). «علل و عوامل شکست طرح‌های صلح خاورمیانه‌پایان‌نامه برای دریافت کارشناسی ارشد، رشته مطالعات منطقه‌ای (گرایش خاورمیانه و شمال آفریقا، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران.

باقری دولت آبادی، علی؛ فخرایی، حسین (۱۳۹۷). «تحلیل تداوم بحران در سرزمین‌های اشغالی براساس نظریه ساخت‌یابی»، مطالعات تاریخی جنگ، فصلنامه علمی - پژوهشی، ۲(۳): ۱-۲۹.

بیات، ناصر (۱۳۷۹). «مواضع و عملکرد نتانیاهو در قبال روند صلح خاورمیانه»، مطالعات منطقه‌ای، ۳(۳): ۶۱-۹۸.

بابایی، محمد، میریوسفی، میرعلی (۱۴۰۰). «تأثیر پیمان آبراهام (ابراهیم) بر مجموعه امنیتی منطقه‌ای خاورمیانه»، فصلنامه مطالعات فرهنگی دیپلماسی، ۱۱(۱): ۷۰-۹۲.

حضرتی رازلیقی، محمد امین و همکاران (۱۴۰۲). «چالش‌های ژئوپلیتیکی مذاکرات صلح خاورمیانه با تمرکز بر معامله قرن»، فصلنامه ژئوپلیتیک، ۱۹(۳): ۱۵۵-۱۸۶.

درویشی سه‌تلانی، فرهاد؛ فیاضی، حامد (۱۳۹۵). «کنکاشی در روابط تاریخی ایران و سوریه (۱۹۴۶-۲۰۱۱)»، تاریخ نامه انقلاب، ۱۱(۱): ۱۱۵-۱۴۳.

علینقی پور، علی (۱۲۹۵). «بررسی نقش جنبش حماس در تحولات سیاسی فلسطین اشغالی»، تاریخنامه خوارزمی، ۳(۳).

فرجی‌راد، عبدالرضا؛ شاملو، رضا (۱۳۹۹). «واکاوی اهداف و اجزای طرح صلح ترامپ موسوم به معامله قرن و تأثیر آن بر جایگاه منطقه‌ای جبهه مقاومت»، فصلنامه سیاست و روابط بین‌الملل، ۴(۷): ۲۴۹-۲۷۸.

میرحیدر، دره، فره بیگی، مصیب (۱۳۹۶). بررسی مناقشه سرزمینی میان عربستان و مصر از دیدگاه جغرافیایی سیاسی، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای سیاسی، ۲(۱): ۶.
در مورد کمپ دیوید (۱۴۰۳)، گرفته شده در سایت:

<https://www.tabnak.ir/fa/tags/5444/1/%D9%BE%DB%8C%D9%85%D8%A7%D9%86-%DA%A9%D9%85%D9%BE>

عرب‌گری، محمد (۱۴۰۰)، بررسی عادی سازی روابط اعراب و اسرائیل (مارات و بحرین) و پیامدهای آن بر منطقه، خیانت عربی، دسترسی در:

<http://irdiplomacy.ir/fa/news/2001799/>

فایضی، محمد حسین (۱۳۹۸). چرا اتحادیه اروپا معامله قرن را محکوم می‌کند، دسترسی در:

<https://www.nasim.news>

لیبی، لوئیس؛ فرادکین، هیلل (۱۳۹۹/۷/۴)، ایران، ترکیه و انقلاب استراتژیکی که در خاورمیانه رخ داد، دسترسی در:

<http://irdiplomacy.ir/fa/news/1995563/>

معامله قرن و آینده پادشاهی اردن (۱۳۹۸). دسترسی در:

<https://iranthinktanks.com>

تلاش روسیه برای ایفای نقش بیشتر در مسئله فلسطین (۱۴۰۰)، دسترسی در:

<https://www.scfr.ir/fa/300/30101/133130>

واکنش طرف‌های فلسطینی به توافق عادی سازی روابط امارات با اسرائیل (۱۳۹۹/۵/۲۵)، دسترسی در:

<https://www.aa.com.tr/fa/>

References

- «Palestinian parties' reaction to the agreement to normalize relations between the UAE and Israel »(2020), accessible at: <https://www.aa.com.tr/fa/>.(In Persian).
- Al-Hamad, J., & Ayad, B. (2003). A journey through the political thought of the Hamas movement, translated by Seyyed Hossein Mousavi, Tehran: Middle East Center for Scientific Research and Strategic Studies (In Persian).
- Alineghipour, A. (2016). "Investigation of the role of the Hamas movement in the political developments of occupied Palestine", Kharazmi History, third year, number 3 (Piyai 11). (In Persian).
- Alinejad, Z. (2020). Deal of the century, Tehran: Yas city. (In Persian).
- Arabgari, M. (2021), investigation of the normalization of relations between Arabs and Israel (UAE and Bahrain) and its consequences on the region, Arab betrayal, access at: <http://irdiplomacy.ir/fa/news/2001799/>. (In Persian).
- Babaei, M., & Mir Yousefi, M. (2021). "Impact of the Abraham Peace Accords on the Middle East Regional Security Complex", Quarterly Journal of Fazhangy Diplomacy Studies, Volume 1, Number 1, Page 70-92. (In Persian).
- Babakhani, L. (2005). The policies of the Israeli states towards the formation of an independent Palestinian state (from the Oslo peace plan to the peace plan), master's thesis, international relations, Shahid Yehshti University, Faculty of Economics and Politics. (In Persian).
- Bagheri Dolatabadi, A., & Fakhraei, H. (2018). "An Analysis of the Reasons for the Continuation of the Crisis in the Occupied Territories based on the Theory of Structuration", the historical study of war, scientific-research quarterly, second year, third issue, pp. 1-29. (In Persian).
- Bayat, N. (2000). "Netanyahu's positions and performance regarding the Middle East peace process", Regional Studies, No. 3, Pages 61-98. (In Persian).
- Carter, J. (2007). Palestine; Peace not apartheid, translated by Mehran Ghasemi, Tehran: Third (In Persian).
- Darvishi, F., & Fayazi, Hamed (2016). "An exploration into the historical relations between Iran and Syria (2011 1946)", History of the Revolution, first year, serial number 1, pp. 115-143. (In Persian).
- Deal of the century and the future of the Kingdom of Jordan (2019). Access at: <https://iranthinktanks.com/>.(In Persian).
- Dougherty, James E., & Pfaltzgraff, Robert L. (2004). contending theories of international relations: a comprehensive survey, translated by Alireza Tayeb; Vahid Bagari, Tehran: Qoms, third edition. (In Persian).
- Farjirad, A., & Shamloo, R. (2020). " Study the Golas and components of the Trump plan of the Century deal and its Impact on the Resistance Fronts

- regional Position", *Politics and International Relations Quarterly*, Volume 4, Number 7, Pages 249-278. (In Persian).
- Fayzi, M. (2020). Why the EU condemns the deal of the century, available at: <https://www.nasim.news>. (In Persian).
- Gawdat, B. (2010). *Israel and the Persian Gulf: retrospect and prospect* translated by Ali Reza Gurbanpour, Tehran: Imam Khomeini University. (In Persian).
- Ghofrani, P., & Mohammadi, M. (2009). *The Palestinian crisis and its solution*, Tehran: Ministry of Foreign Affairs. (In Persian).
- HazratiRazaliqi, M. and colleagues (2023). "Geopolitical Challenges of Middle East Peace Talks with Emphasis on "Deal of Century", *Geopolitics Quarterly*, 19th year, 3rd issue, pp. 155-186. (In Persian).
- Huwaydi, A. (1999). *Kissinger and America's strategies*, translated by Safadin Gachi, Tehran: Simorgh. (In Persian).
- Kissinger, H. (2015). *Nuclear weapons and Foreign policy*, translated by Mahmoud Waziri Nasab, Tehran: Amir Kabir. (In Persian).
- Kissinger, H. (2019). *World order; a reflection on the characteristics of nations and the flow of history*. (In Persian).
- Kolayi, E. (2004). "The causes and consequences of the development of relations between the Russian Federation and Israel (with a view to the Islamic Republic of Iran)", Tehran: Faculty of Law and Political Sciences (In Persian).
- Libby, L., & Fradkin, H. (2020), *Iran, Turkey and the strategic revolution that occurred in the Middle East*, access at: <http://irdiplomacy.ir/fa/news/1995563/>. (In Persian).
- Lishingman, V. (2000). *Henry Kissinger's Contribution to the Conception of International Relations Legitimacy, Consensus and Order: the Foreign Policy of Moderation*.
- Mahmoudi Nooran, A. (1921). *The causes and factors of the failure of Middle East peace plans*, Master's thesis, regional studies (Middle East and North Africa trend), Faculty of Law and Political Sciences, University of Tehran. (In Persian).
- Minavand, H. (2016). *Examining the Palestinian-Israeli peace process after the Oslo agreement with an emphasis on identity elements*, Master's thesis of Middle East Regional Studies, Shahid Beheshti Faculty of Economic and Political Sciences, Tehran. (In Persian).
- Mirhaidar, D., & Farah Beigi, M. (2017). *Investigating the territorial dispute between Saudi Arabia and Egypt from the point of view of political geography*, *Political Geography Research Quarterly*, 2nd year, 1st issue, spring 6. (In Persian).
- NumanTelci, I. (2020). *Sraeli-Emirati Normalization and the Strategic Cooperation in Maritime and Aviation Sectors*.

- Regarding Camp David (2024).access at <https://www.Tabnak.Ir/fa/tags/5444/1/%D9%BE%DB%8C%D9%85%D8%A7%D9%86-%DA%A9%D9%85%D9%BE>(In Persian).
- Russia's effort to play a greater role in the Palestinian issue" (2021), access at: <https://www.scfr.ir/fa/300/30101/133130>. (In Persian).
- Sawaqib, J. (2002). Iran and the Palestine Liberation Organization (1357-1367), Shiraz: Bina (In Persian).
- Shahmoradi, H. (2015). Camp David betrayal of the Palestinian cause, Qom: Islamic Revolution Documentation Center. (In Persian).
- Soleimani Jolodar, Y. (2001). "Peace process in the Middle East and its reflection on the relations between Iran and the United States", master's thesis in the field of international relations, Shahid Beheshti University, Faculty of Economics and Politics. (In Persian).
- Velayati, A. (2007). Islamic Republic of Iran and the Palestine developments (1979-2006), Tehran: Diplomatic Records and History Center. (In Persian).